

مارتین هایدر

هستی وزمان

ترجمه عبدالکریم رشیدیان



نشرنی

۱۵۷ ۲۶. باجم آن را در تئوری اونتولوژیکی و بازمی‌آزمایی: دستساز شدن
۱۶۸ ۲۷. خودشناسی و تئوری اونتولوژیکی در فلسفه غرب: دستساز شدن
۱۷۵ ۲۸. وظیفه فلسفه اونتولوژیکی در فلسفه غرب: دستساز شدن

۱۸۰ ۲۹. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۰ ۳۰. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۱ ۳۱. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۱ ۳۲. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۱ ۳۳. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۱ ۳۴. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن
۱۸۱ ۳۵. فلسفه غرب و فلسفه اسلامی: دستساز شدن

فهرست مطالب

۱۷ مقدمه مترجم سیزده
۱ یادداشت نویسنده بر چاپ هفتم ۱
۵ پیشگفتار ۵
۵ شرح پرسش از معنای هستی ۵

فصل یکم: ضرورت، ساخت و تقدم پرسش هستی ۵

۵ § ۱. ضرورت از سرگیری آشکار پرسش از هستی ۵
۸ § ۲. ساخت صوری پرسش از هستی ۸
۱۳ § ۳. تقدم اونتولوژیکی پرسش هستی ۱۳
۱۷ § ۴. تقدم اونتیکی پرسش هستی ۱۷

فصل دوم: وظیفه دوگانه در پردازش پرسش هستی، روش پژوهش و طرح کلی آن ۲۲

۱۵۱ § ۵. تحلیل اونتولوژیکی دازاین به مثابه آزادسازی افقی برای
تفسیری از معنای هستی به طور کلی ۲۲
۲۸ § ۶. وظیفه ساخت‌گشایی از تاریخ اونتولوژی ۲۸
۳۶ § ۷. روش پدیده‌شناختی پژوهش ۳۶
۳۶ الف. مفهوم پدیده ۳۶
۴۳ ب. مفهوم لوگوس ۴۳
۴۶ پ. مفهوم مقدماتی پدیده‌شناسی ۴۶
۵۲ § ۸. طرح رساله ۵۲

- § ۲۶. باهم آن جا هستنِ دیگران و باهم هستن هرروزه ۱۵۷
- § ۲۷. خود-هستنِ هرروزه و کسان ۱۶۸

فصل پنجم: در-هستن به ماهو در-هستن ۱۷۵

- § ۲۸. وظیفه تحلیل موضوعی [تماتیک] از در-هستن ۱۷۵
- الف. تقویم اگزستانسیال «آن جا» ۱۸۰
- § ۲۹. دازاین [آن جا-هستن] به مثابه یافت حال ۱۸۰
- § ۳۰. ترس به مثابه وجهی از یافت حال ۱۸۸
- § ۳۱. دازاین [آن جا-هستن] به مثابه فهمیدن ۱۹۱
- § ۳۲. فهمیدن و تعبیر ۱۹۸
- § ۳۳. بیان [حکم] به مثابه وجه اشتقاقی تعبیر ۲۰۵
- § ۳۴. آن جا-هستن [دازاین] و گفتار. زبان ۲۱۴
- ب. هستی هرروزه آن جا [Da] و سقوط دازاین ۲۲۱
- § ۲۵. پرگویی ۲۲۲
- § ۲۶. کنجکاو ۲۲۶
- § ۳۷. ابهام [دوپهلویی] ۲۳۰
- § ۲۸. سقوط و پرتاب شدگی ۲۳۳

فصل ششم: پروا به مثابه هستی دازاین ۲۳۹

- § ۳۹. پرسش درباره کلیت نخستینی کل ساختی دازاین ۲۳۹
- § ۴۰. یافت حال بنیادی اضطراب به مثابه یک گشودگی بارز دازاین ۲۴۳
- § ۴۱. هستی دازاین به مثابه پروا ۲۵۲
- § ۴۲. تصدیق تفسیر اگزستانسیال دازاین به مثابه پروا بر پایه خود-تعبیری پیشا-اوتولوژیکی دازاین ۲۵۹
- § ۴۳. دازاین، جهان مندی و واقعیت ۲۶۳
- الف) واقعیت به مثابه مسئله هستی و اثبات پذیری «جهان بیرونی» ۲۶۵
- ب) واقعیت به مثابه مسئله اوتولوژیکی ۲۷۳
- پ) واقعیت و پروا ۲۷۶
- § ۴۴. دازاین، گشودگی و حقیقت ۲۷۷
- الف) مفهوم سنتی حقیقت و شالوده‌های اوتولوژیکی آن ۲۷۹
- ب) پدیده نخستینی حقیقت و حیث اشتقاقی مفهوم سنتی حقیقت ۲۸۴
- پ) نوع هستی حقیقت و پیش فرض حقیقت ۲۹۳

بخش نخست: تفسیر دازاین بر پایه زمان مندی

و تبیین زمان به مثابه افق استعلایی پرسش از هستی ۵۵

قسمت نخست: تحلیل بنیادی تمهیدی دازاین ۵۵

فصل یکم: شرح وظیفه یک تحلیل تمهیدی از دازاین ۵۷

- § ۹. موضوع تحلیل دازاین ۵۷
- § ۱۰. مرزبندی تحلیل دازاین در مقابل انسان‌شناسی، روان‌شناسی و زیست‌شناسی ۶۲
- § ۱۱. تحلیل اگزستانسیال و تفسیر دازاین بدوی. دشواری دسترسی به «مفهومی طبیعی از جهان» ۶۹

فصل دوم: در-جهان-هستن به طور کلی به مثابه تقویم بنیادی دازاین ۷۱

- § ۱۲. طرح مقدماتی در-جهان-هستن بر پایه سمت‌یابی از صرف در-هستن ۷۱
- § ۱۳. آوردن وجهی اشتقاقی به عنوان نمونه‌ای از در-هستن. شناختن جهان ۸۰

فصل سوم: جهانیت جهان ۸۵

- § ۱۴. ایده جهانیت جهان به طور کلی ۸۵
- الف. تحلیل پیرامونیت و جهانیت به طور کلی ۹۰
- § ۱۵. هستی هستنده تلاقی شونده در جهان پیرامونی ۹۰
- § ۱۶. اعلام جهان‌گونگی ویژه جهان پیرامونی در هستنده درون جهانی ۹۷
- § ۱۷. ارجاع و نشانه ۱۰۳
- § ۱۸. درگیری و دلالت مندی: جهانیت جهان ۱۱۲
- ب. تقابل تحلیل [ما از] جهانیت با تفسیر جهان نزد دکارت ۱۱۹
- § ۱۹. تعیین «جهان» به مثابه res extensa [شیء ممتد] ۱۲۰
- § ۲۰. شالوده‌های تعیین اوتولوژیکی «جهان» ۱۲۴
- § ۲۱. بحث هرمنوتیکی [درباره] اوتولوژی دکارتی «جهان» ۱۲۸
- پ. پیراگونگی [حیث پیرامونی] جهان پیرامونی و مکان مندی دازاین ۱۳۶
- § ۲۲. مکان مندی هستنده درستی درون جهانی ۱۳۶
- § ۲۳. مکان مندی در-جهان-هستن ۱۴۰
- § ۲۴. مکان مندی دازاین و مکان ۱۴۷

فصل چهارم: در-جهان-هستن به مثابه همبودی و خود بودن. «کسان» ۱۵۲

- § ۲۵. طرح پرسش اگزستانسیال درباره «که» [کیستی] دازاین ۱۵۳

- ۴۰۱ \$ ۶۴ پروا و خودیت
- ۴۰۸ \$ ۶۵ زمان مندی به مثابه معنای اونتولوژیکی پروا
- \$ ۶۶ زمان مندی دازاین و وظایف ناشی از آن جهت
- ۴۱۷ از سرگیری نخستینی تر تحلیل اگزستانسیال

فصل چهارم: زمان مندی و هر روزگی ۴۲۱

- ۴۲۱ \$ ۶۷ درون مایه بنیادین تقویم اگزستانسیال دازاین و پیش طرح تفسیر زمانی آن
- ۴۲۳ \$ ۶۸ زمان مندی گشودگی به طور کلی
- ۴۲۳ الف) زمان مندی فهمیدن
- ۴۲۸ ب) زمان مندی یافت حال
- ۴۳۶ پ) زمان مندی سقوط
- ۴۳۹ ت) زمان مندی گفتار
- ۴۴۱ \$ ۶۹ زمان مندی در جهان-هستن و مسئله استعلاهی جهان
- ۴۴۲ الف) زمان مندی دلمشغولی پیرانگراه
- ب) معنای زمانی تغییر وجه دلمشغولی پیرانگراه به کشف نظری
- ۴۴۸ هستنده فرادستی درون جهانی
- ۴۵۶ پ) مسئله زمانی استعلاهی جهان
- ۴۶۰ \$ ۷۰ زمان مندی مکان مندی دازاین گونه
- ۴۶۳ \$ ۷۱ معنای زمانی هر روزگی دازاین

فصل پنجم: زمان مندی و تاریخ مندی ۴۶۷

- ۴۶۷ \$ ۷۲ نمایش اگزستانسیال- اونتولوژیکی مسئله تاریخ
- ۴۷۳ \$ ۷۳ فهم عامیانه تاریخ و تاریخیدن دازاین
- ۴۷۸ \$ ۷۴ تقویم بنیادی تاریخ مندی
- ۴۸۴ \$ ۷۵ تاریخ مندی دازاین و تاریخ جهان
- ۴۸۹ \$ ۷۶ سرچشمه اگزستانسیال تاریخ نگاری بر پایه تاریخ مندی دازاین
- ۴۹۵ \$ ۷۷ همبستگی شرح قبلی مسئله تاریخ مندی با تحقیقات و دیلتای و ایده های کنت یورک

فصل ششم: زمان مندی و درون زمان مندی به مثابه سرچشمه مفهوم عامیانه زمان ۵۰۳

- ۵۰۳ \$ ۷۸ ناکامل بودن تحلیل زمانی قبلی ما از دازاین
- ۵۰۶ \$ ۷۹ زمان مندی دازاین و دلمشغولی به زمان

قسمت دوم: دازاین و زمان مندی ۲۹۹

- \$ ۴۵ نتیجه تحلیل بنیادی تمهیدی دازاین
و وظیفه یک تفسیر نخستینی اگزستانسیال از این هستنده ۲۹۹

فصل یکم: کل هستن ممکن دازاین و هستن به سوی مرگ ۳۰۵

- \$ ۴۶ امتناع ظاهری دریافت و تعیین اونتولوژیکی کل هستن ویژه دازاین ۳۰۵
- \$ ۴۷ تجربه پذیری مرگ دیگران و امکان درک یک دازاین تمام ۳۰۷
- \$ ۴۸ مانده، پایان و تمامیت ۳۱۲
- \$ ۴۹ مرز بندی تحلیل اگزستانسیال از مرگ در برابر دیگر تفسیرهای ممکن این پدیده ۳۱۸
- \$ ۵۰ پیش- طرح ساخت اگزستانسیال- اونتولوژیکی مرگ ۳۲۲
- \$ ۵۱ هستن به سوی مرگ و هر روزگی دازاین ۳۲۵
- \$ ۵۲ هستن هر روزه به سوی پایان و مفهوم اگزستانسیالی کامل مرگ ۳۲۸
- \$ ۵۳ طرح اگزستانسیال هستنی خودینه به سوی مرگ ۳۳۴

فصل دوم: شهادت دازاین گونه بر هستن توانستی خودینه، و مصممیت ۳۴۳

- \$ ۵۴ مسئله شهادت بر یک امکان اگزستانسیال خودینه ۳۴۳
- \$ ۵۵ شالوده های اگزستانسیال- اونتولوژیکی وجدان ۳۴۶
- \$ ۵۶ خصلت فراخوانی وجدان ۳۴۹
- \$ ۵۷ وجدان به مثابه فراخوان پروا ۳۵۱
- \$ ۵۸ فهمیدن دعوت و تقصیر ۳۵۸
- \$ ۵۹ تفسیر اگزستانسیال وجدان و تعبیر عامیانه آن ۳۶۹
- \$ ۶۰ ساخت اگزستانسیال هستن توانستن خودینه ای
که در وجدان بر آن شهادت داده می شود ۳۷۶

فصل سوم: کل هستن توانستن خودینه دازاین و زمان مندی به مثابه معنای اونتولوژیکی پروا ۳۸۴

- \$ ۶۱ پیش طرح گام روش مندانه از حصر کل- هستن
دازاین گونه خودینه به سوی آزاد سازی پدیده ای زمان مندی ۳۸۴
- \$ ۶۲ کل هستن توانستن خودینه دازاین
از حیث اگزستانسیال به مثابه مصممیت پیشی جوینده ۳۸۸
- \$ ۶۳ موقعیت هر منوتیکی به دست آمده برای تفسیری از معنای هستی پروا
و خصلت روشی تحلیل اگزستانسیال به طور کلی ۳۹۴

- § ۸۰. زمان مورد دلمشغولی و درون‌زمان‌مندی ۵۱۲
- § ۸۱. درون‌زمان‌مندی و تکوین مفهوم عامیانهٔ زمان ۵۲۳
- § ۸۲. متمایز ساختن همبستگی اگزستانسیال - اونتولوژیکی زمان‌مندی،
دازاین و زمان جهانی در مقابل درک هگل از نسبت میان زمان و روح ۵۳۲
- الف) مفهوم هگل از زمان ۵۳۲
- ب) تفسیر هگل از همبستگی میان زمان و روح ۵۳۷
- § ۸۳. تحلیل اگزستانسیال - زمانی دازاین و پرسش اونتولوژیکی بنیادی
دربارهٔ معنای هستی به‌طورکلی ۵۴۱

حاشیه‌های هایدگر ۵۴۳

واژه‌نامه ۵۵۳

نمایه ۵۹۵

مقدمه مترجم

«دربارهٔ بی‌لطفی و 'نازیبایی' کلام در تحلیل‌های آتی تذکر این نکته لازم است که با نقل و روایت از هستنده خبردادن یک چیز است و هستنده را در هستی‌اش به چنگ آوردن چیز دیگر. برای [انجام] این وظیفهٔ اخیر اغلب نه فقط واژگان بلکه قبل از هر چیز «دستور زبان» در دسترس نیست. اگر مجاز باشیم به تحقیق‌های کهن‌تر دربارهٔ تحلیل هستی اشاره کنیم که در سطحی قیاس‌ناپذیر و بی‌همتا قرار دارند آن‌گاه با مقایسهٔ پاره‌های اونتولوژیکی پارمنیدیس افلاطون یا فصل چهارم کتاب هفتم متافیزیک ارسطو با قطعه‌ای روایی از توکیدیدس خواهیم دید که صورت‌بندی‌هایی که فیلسوفان یونانی بر معاصران‌شان تحمیل کرده‌اند تا چه اندازه ناشنیده و بی‌سابقه بوده است. و جایی که نیروها ماهیتاً قلیل‌تر و به‌ویژه قلمروی از هستی که باید بازگشوده شود از نظر اونتولوژیکی بسیار صعب‌تر از قلمرو عرضه‌شده به یونانیان است اطالۀ پردازش مفاهیم و ناسفتگی بیان نیز افزون‌تر خواهد بود.»

(هستی و زمان، ص [۳۹])

این سخن هایدگر بی‌تردید نه تنها هشدار است به خوانندگان که باید آمادهٔ خواندن چگونه‌متنی باشند بلکه رهنمودی است به مترجمان این اثر که چگونه آن را به زبان‌های دیگر برگردانند. بدون شک سخن گفتن از اصطلاحات خاص و بی‌سابقهٔ هایدگری و ضرورت آن‌ها برای بیان اندیشه‌هایش و مناقشه‌های گوناگون موجود داستان‌درازی است که در این سطور مجال پرداختن به آن نیست. تنها برداشت خودم از یک نکته دربارهٔ چگونگی ترجمهٔ این اثر اشاره می‌کنم. به عقیدهٔ من بافت سخن